

گزارش

تحریم‌های سازمان ملل چگونه بازمی‌گردد؟

از دیپلماسی به درام

در سایه تنش‌های فزاینده بر سر برنامه هسته‌ای ایران، شورای امنیت سازمان ملل متحد در نشست ۲۸ شهریور لحظه‌ای تعیین‌کننده رارقم زد. این نشست، که بر پیش نویس قطعنامه‌ای از سوی کره جنوبی تمرکز داشت، با هدف تمدید معافیت‌های تحریمی پیش‌بینی‌شده در توافق جامع اقدام مشترک (JCPOA) با همان برجام برگزار شد. پیش‌نویس با چهار رأی موافق (از سوی الجزایر، چین، پاکستان و روسیه)، نه رأی مخالف (از جمله دانمارک، فرانسه، یونان، پاناما، سیرالئون، اسلوانی، سومالی، بریتانیا و ایالات متحده) و دور رأی ممتنع (گویان و کره جنوبی) روبه‌رو شد و شکست خورد. این شکست نه تنها به معنای پایان مسیر دیپلماتیک برای حفظ معافیت‌ها بود، بلکه در پیجه‌ای به سوی فعال‌سازی مکانیسم اسنپ‌بک (بازگشت سریع تحریم‌ها) گشود، ابزاری که در قطعنامه ۲۲۳۱ شورای امنیت تعبیه شده و اکنون، با انقضای خودکار در ۲۶ مهر ۱۴۰۴ تهدیدی قریب‌الوقوع برای اقتصاد ایران به شمار می‌رود. این رویداد، که در بستر اختلافات عمیق میان قدرت‌های غربی و شرقی بر سر پایبندی ایران به تعهدات هسته‌ای رخ داد، بیش از آنکه یک رأی‌گیری فنی باشد، نمادی از بن‌بست دیپلماتیک بود؛ جایی که ایالات متحده و سه متحد اروپایی‌اش فرانسه، آلمان و بریتانیا، بر لزوم فشار بیشتر اصرار ورزیدند، در حالی که روسیه و چین بر حفظ ثبات منطقه‌ای و جلوگیری از تشدید تنش‌ها تأکید داشتند. نتیجه این نشست، نه تنها تأیید ناکامی تلاش‌های دیپلماتیک اخیر، بلکه سیگنالی روشن به بازارهای جهانی بود که تحریم‌های سازمان ملل، که از سال ۲۰۱۶ تعلیق شده بودند، در آستانه بازگشتند؛ بازگشتی که می‌تواند زنجیره‌ای از شوک‌های اقتصادی را برای تهران به ارمغان آورد.

مکانیسم اسنپ‌بک در عمل

فرایند بازگشت تحریم‌ها که به عنوان نقطه اوج دوره ۳۰ روزه اسنپ‌بک تلقی می‌شود، ریشه در مکانیسم پیچیده قطعنامه ۲۲۳۱ دارد. این مکانیسم، که توسط E۳ در ۶ شهریور فعال شد، یک بازه ۳۰ روزه را پیش‌بینی می‌کند؛ ۱۰ روز نخست برای ارائه پیش‌نویس تمدید معافیت‌ها، و سپس رأی‌گیری در شورای امنیت. با شکست پیش‌نویس کره جنوبی، هیچ مانعی برای بازگشت خودکار تحریم‌ها باقی‌نماند و این تحریم‌ها از ساعت ۸ شب ۵ مهر به‌طور رسمی بازتولید خواهند شد. مگر آنکه توافقی معجزه‌آسا در لحظات پایانی حاصل شود. این فرایند، که «اسنپ‌بک» نامیده می‌شود، به معنای احیای فوری شش قطعنامه پیشین شورای امنیت است و شامل ممنوعیت‌های گسترده‌ای بر غنی‌سازی اورانیوم، تجارت تسلیحاتی، فعالیت‌های مالی و کشتیرانی مرتبط با ایران می‌شود. برخلاف تحریم‌های یک‌جانبه ایالات متحده، این تحریم‌ها الزام‌آور برای همه ۱۹۳ عضو سازمان ملل هستند و اجرای آنها بر عهده کمیته تحریم‌های شورای امنیت قرار می‌گیرد، که فهرست افراد و نهادهای تحریم‌شده را به‌روزرسانی خواهد کرد. در عمل، این بازگشت نه یک رویداد لحظه‌ای، بلکه یک موج تدریجی است؛ ابتدا فریز دارایی‌ها بر مبنای سپس محدودیت‌های تجاری و در نهایت نظارت بر معاملات بانکی، همه این‌ها در حالی که قطعنامه ۲۲۳۱ تأکید می‌کند تحریم‌ها به‌فراادهای پیشین (مطابق برجام) اعمال نمی‌شوند، اما هرگونه معامله جدید را مسدود می‌سازد. این مکانیسم، که برای جلوگیری از سوءاستفاده طراحی شده، اکنون به ابزاری برای اعمال فشار دیپلماتیک تبدیل شده و می‌تواند ایران را در موقعیتی مشابه سال‌های پیش از ۲۰۱۵ قرار دهد، جایی که انزوای بین‌المللی به یک نورم اقتصادی بدل گشت.

تحریم‌های احیا شده

تحریم‌های بازگردانده شده که عمدتاً بر پایه قطعنامه‌های ۲۰۰۶ تا ۲۰۱۵ بناشده‌اند، دامنه‌ای وسیع از محدودیت‌ها را احیا می‌کنند و بخش‌های کلیدی اقتصاد ایران را هدف قرار می‌دهند. در هسته این تحریم‌ها، ممنوعیت کامل غنی‌سازی اورانیوم و فعالیت‌های مرتبط با برنامه هسته‌ای قرار دارد، که نه تنها واردات تجهیزات (مانند سانتریفیوژها) را مسدود می‌کند، بلکه بر صادرات فناوری‌های مرتبط نظارت شدیدی اعمال می‌نماید. بخش تسلیحاتی، که شامل نظارت بر واردات و صادرات سلاح‌های متعارف و موشکی است، مستقیماً به صنایع دفاعی ایران مربوط می‌شود و معاملات با شرکای خارجی مانند روسیه با چین را پیچیده‌تر می‌سازد.

تبلیغات

در حوزه مالی، فریز دارایی‌های بیش از ۵۰ فرد و نهاد ایرانی از جمله بانک‌های کلیدی مانند بانک ملی و بانک صادرات، و همچنین شرکت‌های وابسته به سپاه پاسداران، دسترسی به سیستم سوئیفت و بازارهای جهانی را قطع می‌کند، که این امر بر حدود ۲۰ درصد از تراکنش‌های ارزی ایران تأثیرگذار است. بخش‌های تجاری و کشتیرانی نیز هدف قرار می‌گیرند؛ محدودیت‌های سرمایه‌گذاری در صنایع پتروشیمی و نفتی (که بیش از ۴۰ درصد صادرات ایران را تشکیل می‌دهند) و ممنوعیت حمل‌ونقل دریایی، در نهایت، این تحریم‌ها را گره بر نهادهایی مانند سازمان انرژی اتمی و وزارت دفاع تمرکز دارند، اما اثرات آنها به اقتصاد کلان ایران، از جمله کاهش سرمایه‌گذاری خارجی و افزایش هزینه‌های تأمین مالی، اجتناب‌ناپذیر است.

تخمین تأثیرات اقتصادی

از زمان فعال‌سازی رسمی در ۵ مهر تا عملی شدن کامل اثرات بر اقتصاد ایران، بازه زمانی متغیر پیش‌بینی می‌شود، که بستگی به سرعت اجرای کشورها و واکنش بازارهای جهانی دارد. فاز اولیه (تا پایان اکتبر)، عمدتاً بر بازارهای مالی تأثیرگذار خواهد بود؛ فریز دارایی‌ها و قطع دسترسی بانکی ممکن است ارزش ریال را کاهش دهد، همانند آنچه در سال ۲۰۱۸ پس از خروج ترامپ از برجام رخ داد. فاز میانی (نوامبر تا دسامبر)، با اختلال در صادرات نفت (که ۵۰ درصد درآمد ارزی را تأمین می‌کند)، احتمالاً باید شاهد افزایش تورم در کشور باشیم. در بلندمدت (تا نیمه ۲۰۲۶)، تأثیرات ساختاری ظاهری می‌شود: کاهش ۱۰-۵ درصدی GDP، مشابه دوره ۲۰۱۲-۲۰۱۵، باز دست رفتن ۱۰۰ میلیارد دلار سرمایه‌گذاری خارجی و تشدید مهاجرت نخبگان. این شوک‌ها، در حالی که ایران با تورم ۴۰ درصدی فعلی دست‌وپنجه نرم می‌کند، می‌تواند به یک چرخه معیوب رکود-تورم دامن بزند، جایی که کاهش درآمدهای نفتی (تا ۲۰ درصد) بودجه دولت را ۲۰ درصد قشرده می‌کند و یارانه‌های اجتماعی را تهدید می‌نماید.

حسن بهشتی پور در گفت‌وگو با «آرمان ملی»:

کشورهای اروپایی نباید

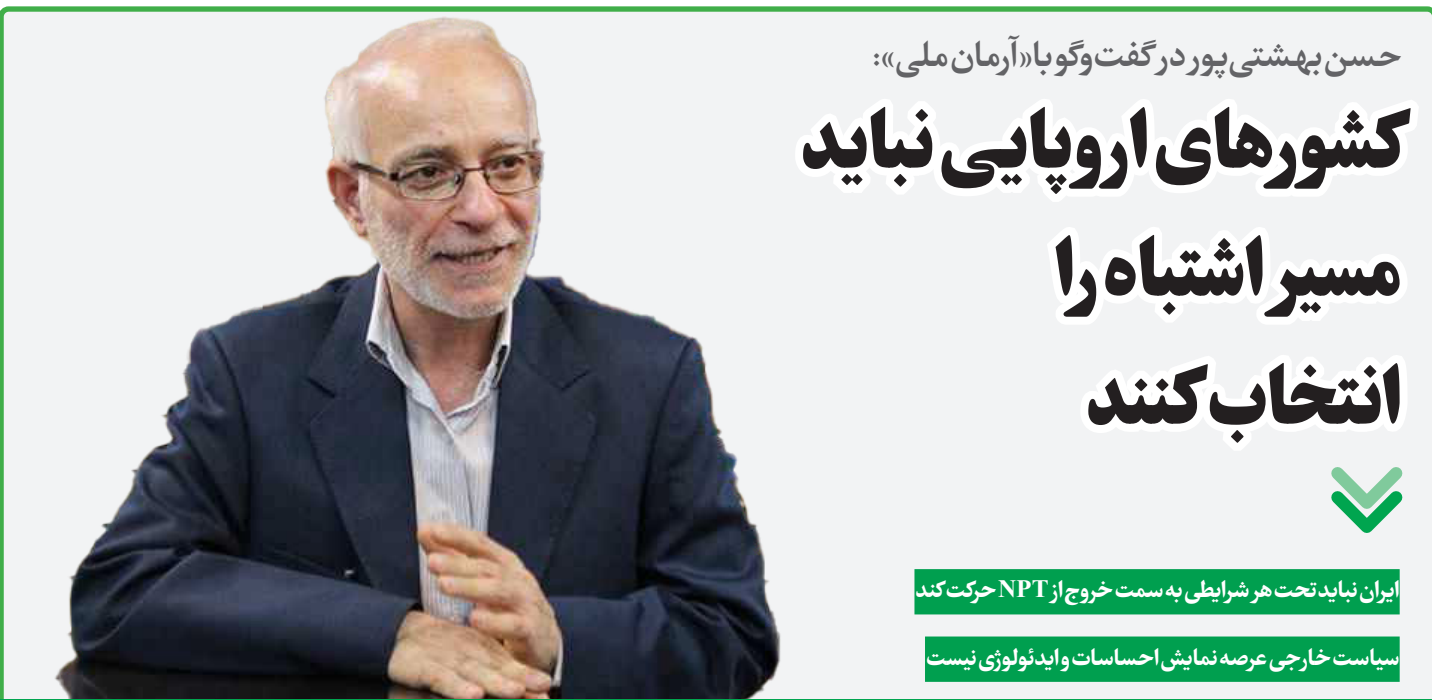
مسیر اشتباه را

انتخاب کند



ایران نباید تحت هر شرایطی به سمت خروج از NPT حرکت کند

سیاست خارجی عرصه نمایش احساسات و ایدئولوژی نیست



آرمان ملی – احسان انصاری: شورای امنیت سازمان ملل متحد پیش‌نویس قطعنامه کره جنوبی به عنوان رئیس دوره‌ای این شورا را درباره «تداوم لغو تحریم‌ها علیه ایران» تصویب نکرد. این قطعنامه صرفاً ۴ رأی موافق از ۱۵ رأی اعضای شورای امنیت کسب کرد و ۹ کشور رای مخالف و دو کشور رای ممتنع دادند. هر قطعنامه برای تصویب در شورای امنیت سازمان ملل نیازمند ۹ رأی این شورای ۱۵ عضوی است که قطعنامه فوق‌همان‌طور که پیش‌بینی می‌شد نتوانست آرای لازم را به‌دست آورد، اما با فشار آمریکا و سه کشور اروپایی برای تحت فشار قرار دادن جمهوری اسلامی ایران پیش از پایان مهلت ۳۰ روزه به رأی گذاشته شد. در واقع شورای امنیت سازمان ملل نتوانست پیش‌نویس قطعنامه‌ای را که با هدف جلوگیری از بازگشت سریع تحریم‌ها علیه ایران را که در توافق هسته‌ای ایران موسوم به برجام در سال

۲۰۱۵ لغو شده بودند، تصویب کند. این قطعنامه به دنبال حفظ لغو تحریم‌ها بود که ۹ رأی لازم را کسب نکرد. عراقچی وزیر امور خارجه در این زمینه گفت: از جانب جمهوری اسلامی ایران طرحی معقول و قابل‌اجرا را به همتایان اروپایی ارائه دادم تا از وقوع بحرانی غیرضروری و قابل اجتناب در روزهای آینده جلوگیری شود. وی افزود: «با این حال به جای آنکه به محتوای این طرح پرداخته شود ایران اکنون با مجموعه‌ای از بهانه‌ها و طفره‌روی‌های آشکار مواجه است؛ از جمله ادعای مضحکی مبنی بر اینکه وزارت امور خارجه نماینده تمام ساختار سیاسی کشور نیست، «آرمان ملی» برای تحلیل و بررسی شرایط پیچیده کنونی و پیامدهای فعال شدن مکانیسم ماشه با حسن بهشتی پور تحلیلگر روابط بین‌الملل گفت‌وگو کرده که در ادامه می‌خوانید.

از آنس و خروج از چارچوب حقوقی موجود شائبه حرکت ایران به سوی تولید سلاح هسته‌ای را تقویت می‌کند. این پیام به ویژه در شرایطی که ایران سال‌ها بر این نکته تأکید داشته و دارد که به دنبال تولید سلاح هسته‌ای نبوده و نیست هزینه‌های سیاسی و امنیتی کشور را به‌طور جدی افزایش می‌دهد. یکی از مهم‌ترین پیامدهای خروج از NPT از دست دادن حمایت سیاسی قدرت‌هایی مانند روسیه و چین است. تجربه سال‌های پس از برجام نشان داد که این دو کشور به دلیل پایبندی ایران به تعهداتش بارها در شورای امنیت به سود ایران رأی دادند و حتی قطعنامه‌های آمریکا را ووتو کردند. اما اگر ایران با خروج از NPT به جامعه جهانی این سیگنال را بدهد که راه ساخت سلاح هسته‌ای را باز گذاشته، دو کشور روسیه و چین نیز به راحتی در کنار آمریکا و اروپا قرار خواهند گرفت و ایران تنها می‌ماند و زمینه اجماع جهانی علیه خود را فراهم می‌سازد.

در شرایط کنونی بهترین واکنش ایران به فعال شدن مکانیسم ماشه چه می‌تواند باشد؟

در شرایطی که فشارهای آمریکا و اروپا علیه ایران رو به افزایش است خروج از NPT نه تنها راه‌حل نیست بلکه مسیری پرهزینه و خطرناک است که ایران را از حقوق مسلم خود محروم کرده و اجماع جهانی تازه‌ای علیه کشور ایجاد می‌کند. بهترین راهبرد برای ایران مانند در چارچوب حقوقی بین‌المللی، استفاده از ظرفیت‌های آژانس برای اثبات صلاح‌امیز بودن فعالیت‌ها و اتکا به توان داخلی برای مقابله با فشارهاست. سیاست خردمندانه نه در واکنش‌های احساسی و بلکه در انتخاب مسیری است که ضمن حفظ حقوق ایران تهدیدها را کاهش داده و زمینه دیپلماسی مؤثر را فراهم کند. یکی از آسیب‌های مزمن در سیاست خارجی ایران گرفتار شدن در نگاه‌های افراطی است. سیاست‌های افراطی یعنی پذیرش اقدامات مثبت هر کشور و نقد صریح رفتارهای منفی آن بدون اسیر شدن در چارچوب‌های جناحی. در عرصه بین‌المللی منافع ملی باید معیار باشد نه جانبداری مقطعی یا نگاه‌های ایدئولوژیک. شعار خروج از NPT شاید برای برخی جذاب باشد و احساس قدرت و استقلال را القا کند اما سیاست خارجی عرصه نمایش احساسات نیست. واقع‌بینی ایجاب می‌کند ایران بداند که نه روسیه و نه چین در صورت فعال شدن اسنپ‌بک یا حتی در صورت وقوع درگیری، دفاع نظامی از ایران نخواهند کرد. همان‌طور که چین در بحران اوکراین به‌رغم نزدیکی به روسیه از حمایت جدی نظامی خودداری کرد. بنابراین اتکالی اصلی ایران باید بر توان داخلی و انسجام ملی باشد نه بر توهم کمک خارجی. نکته دیگر اینکه انتقاد از برخی عملکردهای آژانس به ویژه رفتارهایی که شائبه سیاسی‌کاری یا جاسوسی برخی بازرسان را تقویت کرده حق مسلم ایران است. اما اشتباه راهبردی آنجاست که به جای آمریکا و سیاست‌های فشار حداکثری‌اش آژانس را مقصر اصلی معرفی کنیم. آژانس نهادی است که بر اساس مقررات بین‌المللی تنها مرجع نظارت بر فعالیت‌های هسته‌ای صلح‌آمیز محسوب می‌شود. اگر همکاری ایران با این نهاد متوقف شود، دقیقاً همان چیزی اتفاق می‌افتد که واشنگتن و تل‌اوئیوسال‌ها دنبال آن بوده‌اند و آن شکل‌گیری اجماع جهانی علیه تهران است.

ابوالفضل ظهره‌وند:

اسنپ‌بک هنوز فعال نشده اما بستر فعال‌سازی آن روغن‌کاری شد

شان ممتنع باشد چون اگر یک کشور عضو دائم شورای امنیت سازمان ملل رأی مخالف دهد اسنپ‌بک فعال می‌شود و کل تحریم‌هایم می‌گردد بنابراین اگر ۲۶ مهرماه با بازگشت قطعنامه‌های تحریمی مواجه خواهیم شد. ظهروه‌وند درباره تبعات فعال‌سازی اسنپ‌بک ادامه داد: براساس مخالفت کشورهای عضو بریکس و شانگهای به‌طور مشخص چین و روسیه با تحریم‌های سازمان ملل، ما هیچ مشکلی در حوزه نقل و انتقالات نخواهیم داشت. مشکل شاید اروپا باشد که چون ما از اروپا چیزی نمی‌خریم و صادرات و واردات با آن نخواهیم داشت، اتفاقی نمی‌افتد.

اگر ایران با خروج از NPT به جامعه جهانی این سیگنال را بدهد که راه ساخت سلاح هسته‌ای را باز گذاشته، دو کشور روسیه و چین نیز به راحتی در کنار آمریکا و اروپا قرار خواهند گرفت و ایران تنها می‌ماند

شود تا ایران بررسی‌های لازم را صورت داده و مشخص کند چه بر سر اورانیوم آمده است. در مرحله بعد ایران گزارش‌هایی به آژانس درباره سرنوشت اورانیوم‌های مدفون شده‌اش داده و ابهامات را تعیین تکلیف می‌کند. درباره موضوع مذاکره با آمریکا هم عراقچی و علی‌لاریجانی به صراحت اعلام آمادگی کرده‌اند تا گفت‌وگوها انجام شود. این طرف آمریکایی است که شرط می‌گذارد که حتماً مذاکرات باید مستقیم باشد. ضمن اینکه آمریکا می‌گوید غنی‌سازی ایران به‌رغم مفاد NPT باید صفر درصد باشد و ایران را از حق و حقوق قانونی خود محروم می‌کند. ایران معتقد است مذاکرات باید غیرمستقیم بوده و حق غنی‌سازی ایران هم در آن حفظ شود. در صورتی که آمریکا و اروپا دوباره بخواهند ماجراجویی کنند ایران مطابق با حقوق خود واکنش نشان خواهد داد.

موضوع خروج ایران از NPT پس از فعال شدن مکانیسم ماشه به چه میزان می‌تواند جدی باشد؟

در فضای سیاست ایران هر بار که فشارهای آمریکا و اروپا شدت می‌گیرد برخی صداها به ویژه در سطح سیاسی و پارلمانی بلند می‌شود که تنها راه مقابله خروج از NPT است. این صداها بیش از آنکه بر تحلیل واقع‌بینانه استوار باشد بر خشم، بی‌اعتمادی و واکنش‌های مقطعی تکیه دارد. اما پرسش اصلی اینجاست آیا چنین اقدامی می‌تواند واقعاً موقعیت ایران را بهبود دهد یا آن را در مسیر پرهزینه‌تر و خطرناک‌تری قرار می‌دهد؟ من معتقدم هرچند از نظر فنی صرف خروج از NPT به معنای تلاش برای ساخت سلاح هسته‌ای نیست اما در عمل چنین پیامی به جهان منتقل خواهد شد. توقف نظارت‌های

سیاست حرفه‌ای یعنی پذیرش اقدام مثبت و نقد صریح رفتارهای منفی آن کشور بدون اسیر شدن در چارچوب جناحی. در عرصه بین‌المللی منافع ملی باید معیار باشد نه جانبداری‌های مقطعی یا نگاه‌های ایدئولوژیک

ابوالفضل ظهره‌وند:

نشده است. کره جنوبی در هماهنگی با اروپا و آمریکا پیش‌نویس لغو دائمی تحریم‌ها علیه ایران را مطرح کرد. این پیش‌نویس ظاهراً خوبی داشت اما در واقع یک نوع نظرسنجی بود تا زمینه برای فعال‌سازی اسنپ‌بک و ایجاد فضا علیه ایران پیش از ۷ مهر فراهم شود. به عبارت دیگر با این رأی‌گیری بستر برای فعال‌سازی اسنپ‌بک علیه ایران و به نفع اروپایی‌ها روغن‌کاری شد. وی افزود: ۲۶ مهرماه به‌طور اتوماتیک عمر قطعنامه ۲۲۳۱ که تحریم‌های ضد ایرانی را تعلیق می‌کرد به پایان می‌رسد. اروپایی‌ها تا ۷ مهرماه برای زمان تعیین‌کردن که تسلیم خواسته